



امام خامنه ای مد ظله العالی : یک مسئله هم مسئله ی فرهنگ است؛ که آقایان هم حالا معلوم شد که نگرانی دارید، بنده هم نگرانم. مسئله ی فرهنگ، مسئله ی مهمی است... ما حتما در مسئله ی فرهنگ [باید توجه کنیم]، دولت محترم هم باید توجه کند، دیگران هم توجه کنند. بنده هم در این نگرانی با شما سهیم هستم و امیدوارم که مسئولین فرهنگی توجه داشته باشند که چه می کنند. با مسائل فرهنگی شوخی نمی شود کرد، بی ملاحظگی نمی شود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه ی فرهنگی به وجود آمد، مثل رخنه های اقتصادی نیست که بشود [آن را] جمع کرد، پول جمع کرد یا سبد کالا داد یا یارانه ی نقدی داد؛ اینجوری نیست، به این آسانی دیگر قابل ترمیم نخواهد بود. ۱۵/۱۲/۹۲

این ره که می رویم به ترکستان است

یه عده مصرف گرای دیگه قرار بگیریم و با یه روز شدن در مصرف گرایی به آرامش در زندگی برسیم؟! ماهایی که میگیم یادش بخیر اون قدیم حال و هوای بهتری داشتیم؛ مگه قدیم مردم چیکار میکردن؟ قدیم دم عید که میشد دنبال تمیز کردن و شستن و آراسته تر کردن خونه ها بودن. با دونه های مختلف، سبزه های زیبا و متفاوتی درست می کردند. میوه هاشون به این بزرگی نبود، کیفیت آجیلشونم به قیمت پسته و فندق و مرکز خریدش نبود، به مکان انگوری بود که کشمش شده بود، به گندمی بود که بهتر برشته شده بود، به گردویی بود که خودشون مغز کرده بودن. سالی یک دست لباس می خریدن؛ اونم عید به عید، مثل حالا نبود که ماهی که ۳۰ روزه ۳۵ روزشو دنبال خرید هستیم. قدیم تنوع و خلاقیت و زیبایی بیشتر بود. امروزه تنوع و زیبایی رو می خوامیم اما نه با خلاقیت خودمون، نه باهمت خودمون، بلکه با خرید جنسی که بیش نیاز اساسی نداریم. یا مثلا دنبال خرید لباسیم نه به خاطر اینکه لباسمون دیگه اندازه مون نیست، بلکه به این دلیل که از مُد افتاده و همه دیدنش و تکراری شده! این کار انتظار آرایش، آسایش و شادی های قدیم روهم داریم؛ کی گفته با مد و تقلید کورکوران از یک مدل لباس که طرح چندان خاصی نداره و تنها چیزی که ازش پیدااست عدم تناسبه، میشه با کلاس و با فرهنگ شد؟! این همه پول خرج میکنیم واسه این چیزها؟! این همه افراط در رضد ارزش ها و اعتقادات بی پایه و اساس در جهت نابودی فرهنگ بومی خودمون به چه قیمت؟! ما ایرانیان با تمدن چند هزار ساله داریم چی به سر خودمون... آیندemon و آینده فرزندانمون می یاریم؟! بهتره با خلاقیت خودمون نه با هزینه های اضافه، نوروزی متفاوت برای خود و خانواده رقم بزینیم.



حال و هوای دیگه ای داشته؟ چرا دیگه مثل قدیم، موقع عید اینقدر خوشحال نیستیم؟؟؟ چه لزومی داره هم وزن میوه ای که می خریم؛ گوشت و مرغ و برنج هم بخیریم؛ بابا میگن عید دیدنی! نه هر شب وهر روز مهمونی دادن و چند نوع غذا پختن و... تا حالا حتما به یک نمایشگاه سر زدید. دیدین شرکت ها و اصناف و ادارات واسه نشون دادن تجهیزات و دستاوردها و خدمات خودشون چیکار انجام میدن؟ دنبال ارتقاء سطح کیفی محصولات و خدماتشونن؛ دنبال فروش بیشتر، رقابت در سطح سیاسی و اقتصادی. مهمونی های نوروز ما هم مثل بازدید از یه جور نمایشگاه شده. مهمونی می دیم. شام می دیم. سفره های رنگین، خونه ای متفاوت، وسایل جدید، مارک های جدید؛ اونم واسه چی؟! واسه خرفروشی به اسم با کلاسی و مدرن شدن؟! واسه نشون دادن این که ما میتونیم مصرف گرا یا بهتر بگم اسراف گرا باشیم؟! مگه واسه وسایل قبلی چه اتفاقی افتاده؟ دیگه نمیشه روی همین فرش نشست؟ یا توی همین ظروف غذا میل کرد؟ میلمون خار پیدا کرده؟ یخچالمون از کار افتاده؟ این قدر دنبال اینیم و سالمونو عوض کنیم، جدیدشونو بخیریم، طبق مد باشه، جزء مارک های معروف باشه؛ که به اصطلاح عقب مونده و قدیمی نباشیم تا مورد تحسین

وای خدای من... نگو... وقتی به عید و نوروز و قبل عید و ماه اسفند فکر میکنم، به خودم میگم چی میشد اصلا عیدی در کار نبود؟ اینجوری بهتر نبود؟ چشم وهم چشمیا کمتر نبود؟ جنس بُنجل و بی کیفیت خریدن و انبار کردن کم تر نبود؟ زندگی راحت تر نبود؟ آسایش و آرامش بیشتری تو زندگیا مون حسن نمی شد؟ خدا وکیلی به نگاه به دور و برمون، نه به اون دور دورا، نه! ... به خودمون بنزدیم. با رسیدن یه سال نو یه روز نو یه فصل تازه چیکار می کنیم؟ اول از همه دنبال دور انداختن و خریدن هستیم. لباس چی بخرم؟ چه رنگی باشه؟ چه مدلی باشه؟ چه تعداد باید بخرم؟ از وسایل خونه چیارو باید دور بندازم؟ در اصل چه چیزایی از دیپدمون د موده شده؟ چه چیزایی باید جایگزینشون کنیم؟ چه مارکی داشته باشه و... ای آخر... حتما باید امسال فرشامون رو عوض کنیم! رنگ میلمون قدیمه! ظروف پذیرایی مون قدیمی و تکراری شده! در بهترین حالات؛ اونم تازه به خاطر کمبود بودجه اگه نتونستیم فرشا و میلامون رو عوض کنیم باید زنگ بزینیم فلان قالی شویی معروف تا بشورنشون... فکر میکنید وقتی میگن مردم مصرف گرا یعنی چی؟ چرا مردمانی مصرف گرا شدیم؟! این چشم وهم چشمیا داره چه به روز زندگی مون میاره؟ چرا قدیم ندیمای عید،

چاپ مسدود
قابل توجه خوانندگان دیده بان :
به علت عدم حمایت مالی مسئولین مربوطه ، در چاپ و توزیع ماهنامه این شماره در تعداد محدود منتشر شد !

سخن سردبیر
عجب ماهی است اسفند ماه ! ماه سفر به سرزمین نور، جایی که می توان خود را پیدا کرد ، و ساعت ها اندیشید . اندیشه به جوانان هم سال خودمان که در دوران زندگی شان به درستی اولویت ها را تشخیص دادند ، ندای امامشان را لیبیک گفتند و خالق حماسه ی دوران خود شدند و در این راه ارزشمندترین دلبستگی هایشان را فدا کردند. هم اکنون هم من و تو را فرا می خوانند تا با دیدن و حس کردن تمام مولفه های مناطق عملیاتی ، تجربه ای روایت گونه از آن دوران را بشنویم و ببینیم و به خود بیاییم که در کدام برهه از ولایت پذیری قرار داریم؟ میان چه مرحله ای از حرف و عمل مانده ایم ؟ تا به حال چند بار به ندای ولی امرمان پاسخ گفته ایم و جانانه مطالبات او را عملی ساخته ایم؟

شعار سال ۹۲ در این روزها که مشغول مرور ایام و ماجراهای یازده ماه گذشته ایم ، بیشتر از هر روزی جلوه گری می کند ، و می طلبد که ظاهره مناسبی برایش در دفتر عمرمان ثبت کرده باشیم ، اما صد حیف که فقط حماسه سیاسی اش را به ثمر رساندیم ، و تلاش موثری برای خلق حماسه اقتصادی نه کردیم و نه از کسی دیدیم! باشد که با لحاظ اصول و بندهای سیاست کلی اقتصاد مقاومتی در سال جدید بتوانیم جبران کنیم.

نکات مهم و کاربردی در خانه تکانی
کم کم ماه اسفند هم در حال تمام شدن است و این یعنی اینکه باید به استقبال بهار ۹۳ رفت. یکی از کارهایی که ما ایرانیان برای استقبال از سال نو انجام می دهیم ، خانه تکانی شب عید است. شاید به نظر برسد این کار سخت و کسل کننده است ! اما اگر به یکسری نکات خانه تکانی توجه کنیم میتوانیم لذت یک خانه تکانی شیرین را تجربه کنیم.جهت مشاهده نکات خانه تکانی شب عید به وبلاگ دیده بان به نشانی m-dideban.blog.ir مراجعه کنید .

آموزش سفره آرای هفت سین
شاید بتوان گفت سفره آرای شب عید که شامل سبزه آرای ، رنگ آمیزی تخم مرغ ، هفت سین آرای و ... است از جالب ترین آداب و رسوم نوروز ما ایرانیان باشد.جهت مشاهده آموزش سفره آرای شب عید و همچنین طرح های جدید سفره آرای و هفت سین به وبلاگ دیده بان به نشانی m-dideban.blog.ir مراجعه کنید .

آ سد چیکاک ، سید اتکلیسی !

دشمنه های فیسبوکی دولت

| Country | Facebook Users |
|---------|----------------|
| USA | 901 million |
| China | 778 million |
| India | 301 mil. |
| UK | 25.6 mil. |
| France | 30.7 mil. |
| Germany | 24.3 mil. |
| Spain | 27.1 mil. |
| Italy | 33.2 mil. |
| Japan | 45.8 mil. |

وقتی که ارزش ها ضد ارزش می شوند!

سفرنامه مشهد مقدس

آنچه که در این شماره میخوانید

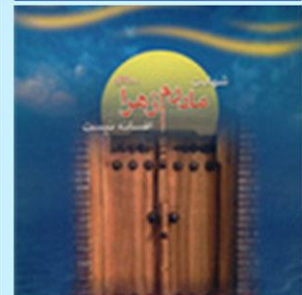
اینجا گریه های عاشقی از جنس دیگری است!

گزارشی از اردوی مشهد به روایت یک زیارت اولی



بارها زائر آقا شده بودم اما با پای دل! این اولین باری بود که با پاهایم به زیارت میرفتم، وارد مشهد شده بودیم، ذوق و شوق دیدن گنبد و گلدسته ها همه را نیم خیز کرده بود. خوشحال بودم اما دل آشوب! حس عجیبی بود، مانده بودم بین خنده و گریه. می خواستم بایستم اما پاهایم یاری ام نمی کردند. آرام آرام خودم را به وسط اتوبوس رساندم، به اولین پله تکیه دادم و زل زدم به روبرو تا برای اولین بار گنبد را با چشم سر ببینم. همه صلوات خاصه را زمزمه می کردند و من مات مات! فقط لب هایم بهم می خورد و از دلهره همه جا گنبد و گلدسته می دیدم اما نزدیکتر که می شدیم سراب بود، سراب! اینجا اولین باری بود که دوست داشتم با صدای بلند گریه کنم اما نمی توانستم. آرام در خودم شکستم و اشک هایم جاری شد. نمی دانم چه مدت روی پا ایستاده بودم که الهه دستم را گرفت و گفت: "بیا اینم گنبد و گلدسته، التماس دعا، بار اولته" سرم سرد می کرد، به خاطر تکانه ای اتوبوس و حال زار دلم نمی توانستم درست گنبد و گلدسته ها را ببینم، اشک هایم را پاک کردم و جلوتر رفتم خیلی به حرم نزدیک بودیم با ناپاوری گفتم: "الهه مملنتی؟! گفت: "اره دیگه، کدوم مسجدی همچین گنبد و گلدسته ای داره؟! فکر می کردم به محض اینکه چشمم به حرم بیافتد این می شوم اما نه! اشتباه می کردم. اینجا درست اوج عشق بازی آقا با دل زائر است! اینجا عطش ات برای رسیدن به حرم و به جا آوردن دو رکعت نماز شکر در جوار امام رئوف صد چندان می شود. حضری پشت پا بزنی به دنیا و تعلقاتش، بگنذاری و بگذری... دلم که همچون کیبوتری قفس سینه ام را می کوبید با نگاهم به گنبد آزاد شد و پرواز کنان روی آن نشست، با اشک چشم سلام دادم و به رسم سفرهای گروهی، قبل از رفتن به حرم راهی محل اسکان شدیم. بعد از یکی دو ساعت همه با لباسهایی مطهر و آراسته آماده ی رفتن به حرم بودیم. به راه افتادیم، در طول مسیر آرام و سر به زیر قدم برمی داشتم اینجا بود که فهمیدم بی دل شدن هم چیز خوبی است! کم کم به بست شیخ طوسی نزدیک می شدیم، از اینجا فقط گنبد و یک گلدسته دیده می شد. نزدیک در ورودی ایستادیم، اذن ورود خواندیم و وارد شدیم. فاصله مان تا حرم خیلی کم بود، رو به حرم ایستادیم و از روی ارادت سر تعظیم فرود آوردیم. به نسبت بهمن ماه هوا فوق العاده مطبوع و دلچسب بود، خورشید آرام آرام به سمت مغرب در حرکت بود و نسیم ملایمی می وزید، دل توی دلم نبود، آنقدر هول شده بودم که صلوات خاصه را فراموش کرده بودم، انگار تا به حال آن را نخوانده بودم! هر چقدر به ذهنم فشار می آوردم فایده نداشت که نداشت! چشمانم روی گنبد این سو و آن سو می رفتند، به ناچار شروع کردم به صلوات فرستادن که هدی گفت: "پشت سرم بباین" دستپاچه به راه افتادم به پیشنهاد هدی از رواق دارالحججه وارد حرم شدیم. تعبیه ای پله برقی برای ورود به دارالحججه فکر خوبی بود چرا که چون منی

کافه کتاب



نام کتاب: شهادت مادرم زهرا سلام الله علیها افسانه نیست.

نویسنده: غلامرضا، علیخواه-ناشر: انتشارات حضرت معصومه علیها سلام-تعداد صفحه: ۱۱۸ صفحه

درباره کتاب: کتاب "شهادت مادرم زهرا سلام الله علیها افسانه نیست" در ۶ فصل تحریر شده است. در فصل اول، "شماه از فضائل حضرت فاطمه علیها سلام در کتب اهل تسنن"، متن عربی به همراه ترجمه فارسی آنها از کتب اهل سنت، بیان گردیده است. در فصل دوم، "بخشی از مصائب و رنجهای حضرت فاطمه زهرا علیها سلام" به دو بحث عمده هجوم به خانه حضرت زهرا و شهادت حضرت محسن علیه السلام پرداخته شده است و در انتهای فصل، با کمک روایات اهل سنت، اعتراف ابوبکر در اشتباه انجام شده در حمله به خانه حضرت زهرا، مورد بحث قرار گرفته است. در فصل سوم، از تدفین شبانه حضرت زهرا از یکسو و خطبه آن حضرت در مسجد و در بستر بیماری از سوی دیگر، بعنوان "گوشه‌ای از نارضایتی‌های حضرت فاطمه زهرا"، اشاره شده است. در فصل چهارم، با استفاده از مطالب مطرح شده در منابع اهل سنت، به اعمال زور در گرفتن بیعت از حضرت علی علیه السلام، به تفصیل اشاره شده است. در فصل پنجم، با پاسخ به چند شبهه، دلایل صبر امیرالمؤمنین علیه السلام در قبال ماجرای احراق بیت مطرح شده است. در فصل آخر، نویسنده به تحلیل کل ماجرا پرداخته است و در انتها منابعی از کتب تشیع در مورد مطالب مطرح شده در کتاب، معرفی گردیده است.

اینجا گریه های عاشقی از جنس دیگری است
اینجا عیار عشق ز معیار بگذرد
// شکوفه رضوی //

توهین به بختیاری ها در سرزمین کهن

چندی پیش در سریال سرزمین کهن که از شبکه سه تلویزیون پخش میشد به بختیاری ها توهین شد که باعث اعتراض جمعی از نمایندگان مجلس، جمعی از فعالان شبکه های اجتماعی، قوم بختیاری و حتی سایر مردم شد. پس از این واکنش ها عوامل سازنده این سریال از بختیاری ها عذرخواهی کردند. ضراغی در دیدار با محسن رضایی از تجدید نظر کلی در روند تولید سریال به وی قول داد که این سریال نهایتا به نفع بختیاری ها به پایان برسد.

ظرافت های سفر اشتون به ایران!

کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا، چند روز پیش برای دیدار با مقامات کشورمان به ایران سفر کرد. وی ترجیح داد به جای دیدار با مسئولین رسمی کشورمان از جمله آقای ظریف سفارش را با دیدار دو تن از محکومین فتنه ۸۸ شروع کند! روز دوم سفر اشتون به ایران هم برنامه سفر تفریحی به اصفهان بود! مسئولین عزیز لطفا پاسخگو باشید این بار هم دیدار با محکومین فتنه، بدون اطلاع قبلی بود و یا...

وزرا در فیسبوک چه می کنند!؟

به نقل از ایرنا تاکنون ۶ وزیر دولت تدبیر و امید در فیسبوک عضوند. نکته جالب اینجاست که از سال ۸۸ فیسبوک فیلتر شده است و ظاهرا فعالیت در آن غیر قانونی است! اخیرا هم جهانگیری معاون رئیس جمهور در فیسبوک از مردم (فیسبوکی ها) در مورد کف درآمد یارانه بگیران نظر سنجی کرده است. به گزارش ایرنا اخیرا در برخی از استان ها و شهرستان های کشور از جمله کرمان و همدان و پلدختر فیسبوک رفع فیلتر شده است.

برگ زرین دیگر از دولت اعتدال!

به گزارش جهان سخنگوی جشنواره شعر فجر در سخنانی تامل برانگیز از رایزنی برای حضور یادالله رویایی به عنوان شاعر مدعو در بخش بین الملل این جشنواره خبر داد. رویایی از افرادی است که در انتها منابعی مکرر به امام (ره) و رهبر انقلاب، ایشان را عامل ارتجاع و دعوت کننده به عصر جاهلیت معرفی می کند. رویایی همچنین در جریان آشوب های انتخابات سال ۸۸ از خارج کشور از آشوب طلبان حمایت می کرد که برخی این متون به همراه فحاشی علیه رهبر انقلاب اسلامی است.

داروخانه معنوی

توصیه هایی گهربار از حاج محمد اسماعیل دولابی

هر وقت در زندگی ات گیری پیش آمد و راه بندان شد، بدان خدا کرده است؛ زود برو با او خلوت کن و بگو با من چه کار داشتی که راهم را بست؟ هر کس گرفتار است، در واقع گرفته ی یار است.

زیارتت، نمازت، ذکر و عبادت را تا زیارت بعد، نماز بعد، ذکر بعد و عبادت بعد حفظ کن؛ کار بد، حرف بد، دعوا و جدال ... نکن و آن را سالم به بعدی برسان. اگر این کار را بکنی، دائمی می شود، دائم در زیارت و نماز و ذکر و عبادت خواهی بود.

گذشته که گذشت و نیست، آینده هم گذشته و نیست. غصه ها مال گذشته و آینده است. حالا که گذشته و آینده نیست، پس چه غصه ای؟ تنها حال موجود است که آن هم نه غصه دارد و نه قصه.

امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «خدا عبدش را در خلقش مخفی کرده است». یعنی قشنگها را مخفی کرده است؛ شما احتیاطا به همه ی خلق احترام بگذار، سلام کن، شاید به عبد خدا برخورد کردی!!!

راستی! فاطمیه نزدیک است...

سید حمید رضا برقی

اتفاقی مقابلم رخ داد

زن همسایه بر زمین افتاد...

چادرش در میان گرد و غبار

در من انگار می شود تکرار

کوچه آتش گرفت زین آه...

پسر کوچکش رسید از راه

به گمانم فقط کمی کمرم...

مرد گریه نمی کند پسرم...

یا علی(ع) گفت و از زمین پا شد

ناله هایش فقط تماشا شد

گوش کن! این صدای روضه کیست

در و دیوار خانه ای مشکلی است

کوچه ی ما چقدر تاریک است

راستی! فاطمیه نزدیک است...

زین باران دوشنبه بعد از ظهر

وسط کوچه ناگهان دیدم

سیب ها روی خاک غلطیدند

قبلا این صحنه را... نمی دانم

آه سردی کشید، حس کردم

و سر اسیمه گریه در گریه

گفت: آرام باش! چیزی نیست

دست من را بگیر، گریه نکن

چادرش را تکاند، با سختی

پیش چشمان بی تفاوت ما

صبح فردا به مادرم گفتم

طرف کوچه رستم و دیدم

با خودم فکر می کنم حالا

گریه، مادر، دوشنبه، در، کوچه

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ...

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ «پس وای بر نمازگزاران آنان که از نمازشان غافلند.» امام صادق(ع) در تفسیر آیه فوق می فرماید: تاخیر الصلاة عن اول وقتها لغیر عذر؛ مراد از بی اعتنایی به نماز، «تاخیر آن از اول وقت بدون عذر است. البته روشن است که مراد از عذر، ضرورتی است که بصورت اورژانسی پیش آید و قابل تأخیر نباشد و الا طواف کعبه هم به هنگام نماز تعطیل می شود. بی توجهی به نماز و سبک شمردن آن آثار سوء دنیوی و اخروی زیادی دارد که در شماره قبلی به آن اشاره شد. اما در مقابل توجه به نماز اول وقت آثار و برکات فراوانی دارد. پیامبر اکرم(ص) در این باره می فرماید: بنده ای نیست که به وقت های نماز و جاهای خورشید اهمیت بدهد، مگر این که من سه چیز را برای او ضمانت می کنم: برطرف شدن گرفتاری ها و ناراحتی ها، آسایش و خوشی به هنگام مردن و نجات از آتش. آقای مصباح می گوید: آیت الله بهجت از مرحوم آقای قاضی (ره) نقل می کردند که ایشان می فرمود: «اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و با مقامات عالیه نرسد مرا لعن کنند! و یا فرمودند: به صورت من نف بیندازد.»

هر کی مهر علی در دلسه، نفت ملی سی چنسه؟!!

منتقل می شد جیپاک مدعی بود عصای او بهترین وسیله برای تشخیص حلال زاده بودن افراد است و با همین شگرد بسیاری از کسانی را که به دلیل مختلف می خواست از وجهه اجتماعی و قدرت که در عصای معجزه آسای مستر جیپاک جز یک پیل خشک الکتریکی و یک مدار ضعیف انتقال برق هیچ چیز وجود نداشته و جریان ضعیف برق باعث انتقال شوک الکتریکی به افراد نگون بختی می شده که مستر جیپاک هنگام تماس عصا با آنها، دکه وصل جریان را فشار میداده !!

در زمان ملی شدن صنعت نفت بسیاری از مردم با تأثیر پذیری از القائات جیپاک و ایادی آن، گروههای را تشکیل دادند که در راس آن یک سردسته (سرطلوعی) قرار داشت. این افراد ضمن کناره گیری از فعالیتهای دنیوی و امور روزمره، در کوی و برزن و روستاها گشت و گذار کرده و شعار می دادند «هر کی مهر علی در دلسه، نفت ملی سی چنسه» (کسی که مهر حضرت علی در دلش جای دارد، به نفت ملی نیاز ندارد)

فتنه جیپاک زمانی اوج گرفت که برای مقابله با ملی شدن نفت به امام زمان (عج) متوسل گردید و خطاب به عشایر بختیاری اعلام کرد، که در ملاقاتی که با امام زمان در منطقه بختیاری داشت، امام از ایشان خواست تا به مردم اعلام کند هر کس از حضرت علی (ع) و خاندانش پیروی می کند، دست از ملی شدن نفت بردارد.



کرد و با تحقیر و غلبه بر برخی سادات و ملاهای محلی، توانست اعتماد بسیاری از عامه مردم را جلب کند.

ملا روایت می کنند که در مجلسی جیپاک حاضران را دروغگو معرفی می کرد و هنگامی که قرار بر اثبات شد، کبریتی روشن کرد و گفت: هر کس راست بگوید این کبریت ریشش را نمی سوزاند. اول کبریت را به ریش خود گرفت که نسوخت سپس ریش تمام افراد ساده لوح حاضر را سوزاند. به آنها قیولاند که دروغ گفته اند و البته بعد ها مشخص شد که ریش او مصنوعی و نسوز بود.

و یا یکی دیگر از شگردهای او این بود لباس روحانیت می پوشید و مجلس وعظ و منبر برپا می کرد و آخرش هم روضه امام حسین میخواند و وسط روضه موقعی که همه داغ می شدند ناگهان عمامه خود را به درون آتشی که وسط مجلس بود پرتاب میکرد! عمامه نمیسوخت و جیپاک آنرا به عنوان معجزه خود بیان میکرد و ادعا می کرد که سید واقعی اوست. هیچکس را به سیدی قبول نداشت چون عمامه آنها در آتش میسوخت! از اینجا بود که او به «سید جیپاک» معروف شد...

از دیگر حکایات جیپاک عصای معروف است که با آن معجزه می کرد و وقتی آنرا به بدن کسی می زد به آن شوک عجیبی

۲۹ اسفند در تقویم رسمی کشور به نام روز ملی شدن صنعت نفت نام گذاری شده است، به همین مناسبت در این مقاله قصد داریم به صورت مختصر شخصی را معرفی کنیم که در توطئه برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت در مناطق نفت خیز نقش بسزایی داشت.

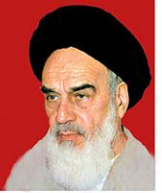
آسد جیپاک نامی که برای بختیاری ها خصوصاً اهالی مسجد سلیمان نامی آشناست. نامی که نماد نیرنگ و فریب آن هم از نوع خورنایان است. «هیجر جیپاک» مامور سازمان اطلاعاتی و تبلیغاتی سرویس انگلیس بود که سالها در مناطق جنوبی کشور به جاسوسی و اجرای برنامه های دولت انگلیس اقدام نمود. نقل می کنند، جیپاک به مدت هفت سال برای شخصی از طایفه «موری» به عنوان شخصی گروال چوپانی کرد و در این فرصت توانست با گویش، فرهنگ، باورها و اعتقادات بختیاری ها کاملاً آشنا گردد. جیپاک بعد از آن نیز اغلب اوقات خود را در میان عشایر بختیاری می گذراند و با توجه به استعداد خارق العاده خود در یادگیری زبان در مدت بسیار کوتاهی توانست زبان فارسی و از آن مهم تر گویش بختیاری را همچون زبان مادری خود یاد بگیرد. به حدی که تشخیص او از غیر بختیاری ها بسیار مشکل بود. جیپاک ابتدا با کمک عصای الکتریکی، عمامه و ریش نسوز، شعبده بازی و ساختن اشکال مار و افعی، باران مصنوعی و... در بین عشایر قدرت نمایی

دم بی بازدم!

«۱۲۶۶/۱۲۶۸»: بمباران شیمیایی حلبچه به دست جرثومه های فساد در طی روزهای پایانی جنگ ایران و عراق، در شمال عراق شهری قربانی جنایات مفسدانه ی رژیم بعثی عراق شد که در دفتر تاریخ برگی سیاه را برای خود به یادگار گذاشته است فاجعه ای که با بمباران اتمی «هیروشیما و ناگازاکی» زاین قابل مقایسه است.

زمانی که ایران بعد از عملیات والفجر ۱۰ توانست بسیاری از مناطق کردنشین از جمله حلبچه را آزاد کند، رژیم بعثی به قصد انتقام گیری از این شکست دستور به بمباران شیمیایی ۵۰ باره فرزند جنگنده ی عراقی که هر کدام از آنها حامل چهار بمب شیمیایی بود را صادر کرد. عملی ضد بشری که بیش از ۵۰۰۰ کشته و هفت هزار زخمی بر جای گذاشت. به کارگیری سلاح های شیمیایی توسط عراق در حالی صورت گرفت که این کشور جزو ۱۲۰ کشور امضاء کننده پروتکل ژنو راجع به منع استفاده از سلاح های سمی، خفه کننده و ترکیبات باکتریولوژیک قرار داشت. با اتمام حملات عراق و اعزام نمایندگان ایران و عراق به دبیر کل سازمان ملل، تدریجاً جنایات عراق در حلبچه همه چیز به فراموشی سپرده شد و حلبچه در میان سکوت مجامع بین المللی قربانی خشن ترین روش های نسل کشی شد.

خوهرم شما خسته نباشی از جلوه نبیانی تن در بازار اسیران هوی و هوس؟! خسته نباشی از خون کردن دل مهدی فاطمه (س)؟! مرگت که رسید جسمی که سالها ملیه ی فخر فروشی و جیب جیبیل فرمود: (یکی از آبخاها) که فرشتگان وقت تو هستی و نگاه های اهل بیت و شهدا... کمی به خودت بیابا رسول خدا (ص) از جیبیل (ع) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جیبیل فرمود: (یکی از آبخاها) که فرشتگان وقت تو هستی و نگاه های اهل بیت و هوس؟! خسته نباشی از خون کردن دل مهدی فاطمه (س)؟! مرگت که رسید جسمی که سالها ملیه ی فخر فروشی و جیب جیبیل فرمود: (یکی از آبخاها) که فرشتگان



امام خمینی (ره) : باید در این سال جدید عنایت زیادی شود اول به فرهنگ که این خیلی مهم است ، این فرهنگ باید متحول شود ، فرهنگ استعماری فرهنگ استقلال شود باید معلمینی که در این فرهنگ اسلامی این جا باشد انتخاب شوند و اشخاصی صحیح و سالم ، کسانی که جوانان ما را تربیت صحیح کنند نه این که تربیت انگلی کنند . چنان چه که تا به حال این گونه بوده که آنتهارا غربی بار آورده اند ، ... و بالاخره باید فرهنگ متحول شود به یک فرهنگ سالم و یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی حضرت امام خمینی ، صحیفه نور ، ج ۴ ، ص ۲۰۰

به مسئولین کره گفتند این خانم نمی دانسته که نباید با چادر شرکت می کرده است!

روایتی از حذف بانوی جودوکار استانمان از مسابقات کشوری



جهان بین نیوز: در این فاصله که شما مقاومت می کردید که با چادر روی سکو بروید مسئولین چه حمایتی کردند؟ هیچ حمایتی نکردند. وقتی از سکو پایین آمدم و رفتیم هتل، متوجه شدم در هتل جلسه ای تشکیل شده و آقای افشار زاده دبیر کمیته ملی المپیک به مسئولین فدراسیون جودو اعتراض کردند که چرا فلائی با چادر روی سکو رفته است. مگر با چادر مسابقه داده! برای جمهوری اسلامی خیلی بد شده است! این کار به ضرر ما شده است! بعد در اتاق را زدند و گفتند که این کار شما، برای ما خیلی بد شده است و فدراسیون جودو را زیر سؤال بردید! چرا این کار را کردید؟

"موقع اهدای جوایز، مسؤولان تشریفات کره جنوبی به من گفتند گرمکن بیوش و روی سکو برو. من همانجا گفتم چادر را بیاورید؛ من با چادر روی سکو می روم. گفتند نه باید گرمکن بیوشید که من گفتم اصلا برای من مهم نیست روی سکو بروم یا نروم؛ مهم این است که با چادر روی سکو بروم. ۲۰ دقیقه ای طول کشید و در نهایت چون همه منتظر بودند و نگران که چه اتفاقی افتاده، گفتند که هر چی می خواهد به او بدهید که سریع برود روی سکو. البته در نهایت چادر را آوردند و من با چادر رفتم روی سکو.

من آن موقع خیلی ناراحت شدم و فقط به حضرت زینب(س) گفتم من فقط به خاطر خودت و به عشق خودت با چادر رفتم روی سکو. چیزی که آن لحظه در ذهنم آمد همین بود. بعد از آن قرار شد در مراسم اختتامیه شرکت کنم که به من گفتند اگر قرار است با چادر بیایی اصلا شرکت نکن! بعد از این اتفاق و قبل از برگشت خیلی ناراحت بودم و استرس داشتم. به گونه ای با من برخورد کرده بودند که من فکر می کردم خیلی اشتباه کردم. اما وقتی به ایران برگشتم، پدرم بابت این کار خیلی تشویقم کرد و من آن لحظه بود که خیالم یک مقدار راحت شد. تا اینکه از دفتر حضرت آقا با من تماس گرفتند و پیغام ایشان را به من رساندند و من این قدر هیجان زده شدم که از خوشحالی زیر سرم رفتم. اصلا باورم نمی شد. بعد از آن به دیدار آقا رفتم و ایشان گفتند: خیلی کار خوبی کردید که با چادر روی سکو رفتید. باعث افتخار مملکت ایران هستید. من سجده شکر به جا آوردم که شما با چادر روی سکو رفتید و..."

موقع اهدای جوایز، مسؤولان تشریفات کره جنوبی به من گفتند گرمکن بیوش و روی سکو برو. من همانجا گفتم چادر را بیاورید؛ من با چادر روی سکو می روم. گفتند نه باید گرمکن بیوشید که من گفتم اصلا برای من مهم نیست روی سکو بروم یا نروم؛ مهم این است که با چادر روی سکو بروم. ۲۰ دقیقه ای طول کشید و در نهایت چون همه منتظر بودند و نگران که چه اتفاقی افتاده، گفتند که هر چی می خواهد به او بدهید که سریع برود روی سکو. البته در نهایت چادر را آوردند و من با چادر رفتم روی سکو. مسئولین ایرانی با چادر مخالفت می کردند. بعد هم نامه ای زدند به مسئولین کره جنوبی و گفتند که این خانم نمی دانسته که نباید با چادر شرکت می کرده است!

دبیر کمیته ملی المپیک: حضور فلائی با چادر روی سکو برای جمهوری اسلامی خیلی بد شده است!
امام خامنه ای: من سجده شکر به جا آوردم که شما با چادر روی سکو رفتید.



وقتی که در اختتامیه جشنواره موسیقی فجر امسال از گروه نوازندگی زن در کشور جمهوری اسلامی ایران استفاده می شود! وقتی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور در مورد خوانندگی زنان اظهارات عجیب و غریب می کند ، وقتی که جای معروف و منکر عوض می شود ، وقتی که ارزش ها به ضد ارزش تبدیل می شوند ، عجیب نیست که فدراسیون جودو جمهوری اسلامی ایران اولین بانوی جودوکار ایرانی را که در مسابقات جهانی مدال کسب کرده است ، از مسابقات کشوری حذف کند ! چندی پیش خانم سمیه حیدری به همراه خواهرشان به صورت شبانه از مسابقات کشوری جودو حذف شدند. فدراسیون جودو، علت این حذف را شرکت در مسابقات کشوری، بدون مجوز استانی اعلام کرده . خانم حیدری در واکنش به این ادعا اظهار کردند " اگر استان به ورزشکار اجازه حضور ندهند ورزشکار نمی تواند پذیرش شود و وزن کشی انجام شود در صورتی که من هم پذیرش شدم و هم وزن کشی انجام شد و قرعه من و خواهرم مشخص شد، من به خاطر عرق ملی که به استانم داشتم بر خلاف اصرار های مسئولین که تصمیم داشتن من از تهران شرکت کنم، از استان خودم با مجوزی که سند آن وجود دارد شرکت نمودم ولی متاسفانه غیرمنصفانه حذف شدم. لازم به ذکر است سند مجوز حضور تیم جودوکار استانمان که نام سمیه و مستیرا حیدری نیز در آن موجود می باشد منتشر شده است.

سمیه حیدری ، بانوی جودوکار استانمان در بازی های آسیایی داخل سالن کره جنوبی که تیر ماه امسال برگزار شد مدال نقره مسابقات را کسب کرد. او برای دریافت مدال با چادر مشکی روی سکو حاضر شد. پنج ماه بعد خانم حیدری در رقابت های جهانی کوراش توانست با کسب مقام سوم جهان اولین بانوی مدال آور ایرانی در مسابقات جهانی باشد. سمیه حیدری این بار علاوه بر پوشش چادر با در دست داشتن قرآن مجید و تمثالی از مقام معظم رهبری بر روی سکوی سوم جهان ایستاد. حضور خانم حیدری با پوشش چادر بر روی سکو موجب شد تا دفتر مقام معظم رهبری طی نامه ای از ایشان تقدیر کند. ولی ظاهرا این عمل خانم حیدری زیاد با مذاق مسئولین فدراسیون جودو سازگار نبوده است! جهت شفاف سازی بیشتر قسمتی از مصاحبه سمیه حیدری با جهانبین نیوز در اینجا منتشر می شود.

از دانشگاه چه خبر؟

کسب رتبه اول انجمن رباتیک فرزند در جشنواره ملی حرکت
انجمن رباتیک فرزند دانشگاه موفق به کسب مقام اول به دلیل کارآفرینی و تاسیس مرکز آموزشی در زمینه رباتیک در جشنواره ملی حرکت شد.
کسب مقام اول استان چهارمحال و بختیاری در زمینه های فرهنگی
استان چهارمحال و بختیاری موفق به کسب رتبه اول در زمینه امور دانشجویی و فرهنگی در بین دانشگاه های پیام نور سراسر کشور شد. لازم به ذکر است فعالیت های پیام نور بروجن در صدر فعالیت های دانشگاه های استان قرار دارد.

راهیابی برگزیدگان مسابقات قرآنی دانشگاه، به مرحله کشوری
ده نفر از اساتید، کارکنان و دانشجویان دانشگاه، که موفق به کسب رتبه های برتر استانی در رشته های قرآن، مداحی و آذان شده بودند به مرحله کشوری راه یافتند.

نظرات خوانندگان دیده بان

اصن انتقادی ندارم ۴۸۵***۹۳۰
باسلام شاداب باشید وتشکر به خاطر این همه احساس مسئولیت مطالب این شماره عالی بود مخصوصا قسمت کاستی های دانشگاه ۸۸۱***۹۳۶
سلام ممنون از ماهنامه ی خوبتون . به نظر من اسامی و عکسهای مدال بالای هر رشته را توی شماره ی بعدی چاپ کنید، موفق باشید*زمانی ۵۹۳***۹۳۹
سلام.خدا قوت.محمودی هستم مسئول فرهنگی حوزه شهیدچمران دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد . ماهنامه تون رو خوندم .خیلی خوب و جالب بود.دستتون درد نکنه و خسته نباشید ۰۰۴***۹۱۳

انا لله و انا اليه راجعون

بیت معظم شهید سپهری:خبر ارتحال ابوالشهید مرحوم سپهری موجب تألم و تأثر خاطر گردید.رحمت بی انتهای خداوند متعال بر او که فرزندی مؤمن و سلحشور تربیت نمود و عاشقانه ایشان را در صیانت از قرآن و اسلام ناب محمدی (ص) به حضرت حق تقدیم داشت. و اینک جهان سفلی را وا نهاد و به دیار باقی شتافت و در جوار فرزند شهیدش سکنی گزید.رحلت آن مرحوم مغفور را تسلیت عرض نموده و از آستان ربوبی برای وی علو درجات و برای بیت بزرگوار و بازماندگان سوگوارش اجر جزیل، توأم با عزت و سعادت مسألت داریم.